

دولت و اقتدار ما در امروز و همین عناصر در صد سال پیش؟ مگر نه اینکه ما کشور مستقلی هستیم و شهروندانمان شهروندانی آزاد برای ابراز عقیده و نظر؟ همچنین کدام عامل مشابه را میان عملکرد و حضور دولت انگلستان در ایران، خاورمیانه و حتی جهان می‌توان با نقش وی در صد سال پیش مقایسه کرد؟

پاسخ به این پرسش‌ها روشن‌تر از آن است که از چشم ساده اندیش‌ترین تحلیل‌گران سیاسی کشور پوشیده بماند. پس چرا فقط به صرف یک رقابت انتخاباتی، حتی به فرض که رقیب همهٔ جوانب را رعایت نکرده باشد بر باورهایی تأکید می‌کنیم و باعث استمرار حیاتشان می‌شویم که نیک می‌دانیم مانع از رشد فرهنگ سیاسی در کشور است. مگر نه اینکه باورهایی نظیر این تصور «همه چیز زیر سر انگلیسی‌هاست» یکی از موانع جدی در مقابل رشد فرهنگ سیاسی در کشور ما بوده و هست. پس چرا به عوض تلاش در زدودن این گونه تخیلات، خود در دام عوام‌گرایی می‌افتیم؟ تلاش برای توسعهٔ فرهنگ سیاسی و وظیفهٔ همهٔ تفکرات و دیدگاه‌هاست، زیرا عدم توسعهٔ آن دامان همه را خواهد گرفت.

گفتگو ۸

م.ت.

جهانی شدن

سال‌ها، بل دهه‌هایی است که جهانی شدن اذهان بسیاری از ما ایرانیان را به خود مشغول کرده است. برای رسیدن به این هدف چه

زحماتی که نکشیدیم و گاه نیز به چه ناروایی‌هایی که تن ندادیم. و... باز به محض آنکه جنگ خاتمه یافت همین روئیا زنده شد و تلاش‌های جدی برای رسیدن به استانداردهای بین‌المللی معطوف گشت.

ما با شور و شَعَف قابل درک از موفقیت‌های جوانان کشورمان در اَلَمپيادهاي بين المللی صحبت می‌کنیم و انتظارمان از صنایع فولاد کشور آن است که بتواند با دسترسی به استانداردهای تولید جهانی، به تسخیر بازارهای جهانی نایل شود. به حق افتخار می‌کنیم که در بسیاری از حوزه‌های صنایع جانی نفت، مهندسانمان می‌توانند تقریباً همان نتایجی را به دست آورند که کارشناسان خارجی.

اما حقیقت آن است که ما هنوز در هیچ کدام از تلاش‌هایمان برای جهانی شدن به نتیجهٔ کاملاً مطلوب نرسیده‌ایم. هنوز ما فقط با فرش، پسته، خاویار، میوه و خشکبار خود در جهان حرف می‌زنیم و بس. یعنی در آن حوزه‌های که از دیرباز اگر نه ملک طلق ایران،



که در اختیار وی بوده اند. آنچه ما در جستجوی آن بودیم و هستیم همانا تولید کالایی است غربی در ایران، اما با استاندارد جهانی. به عبارت دیگر می‌خواستیم و هنوز نیز می‌خواهیم که در موضوعی و حوزه‌ای که پایه‌گذار آن غرب بوده است، ما از غرب پیشی بگیریم.

اینک با اعطای جایزه نخل طلا به عباس کیارستمی، ما برای اولین بار به این مهم دست یافتیم. موفقیت کیارستمی با هیچ‌یک از الگوهای که ما در صد سال اخیر برای جهانی شدن به آن دل بستیم قابل توضیح نیست. این امر نه بدین معناست که آن الگوها همه اشتباه بودند و نه به این معنا که لزوماً می‌توان از موفقیت «طعم گیلان» الگویی ساخت که در همه زمینه‌ها کاربرد داشته باشد. در عین حال باید به این واقعیت توجه کرد که «طعم گیلان» یک تجربه موفق در جهانی شدن است و از همین منظر نیز باید موضوع نقد و بررسی موشکافانه قرار گیرد تا مجموعه عواملی که جمع شدند تا این موفقیت حاصل گردد، شناخته شوند. بدون شک، قدم اول در تسهیل این سنجش، نمایش عمومی فیلم در ایران خواهد بود.

امید فرهنگ

حقوق بشر و سیاست خارجی

اینکه سیاستمداران کشورهای جهان سوم، در قبال داوریهایی که بر اساس معیارهای حقوق بشر استوار است، معمولاً گفتار متناقضی در پیش می‌گیرند، امر شناخته شده‌ای است. به عنوان مثال، ما خود

گزارش‌های کمیسیون حقوق بشر در مورد ایران را «مفرضان» و «تحت تأثیر ملاحظات سیاسی» می‌دانیم و برخی اوقات حتی علیرغم آن که به منزله یکی از کشورهای عضو سازمان ملل متحد قانوناً ملزم به رعایت آن هستیم، مجموعه این حقوق را ناخوانا با فرهنگ کشور خود به شمار می‌آوریم و اصولاً رعایت آن را در زمره وظایف خویش نمی‌دانیم. هر چند که در عین حال بر پایه همین گزارش‌ها به حق به افشای وضعیت حقوق بشر در کشوری مانند اسرائیل می‌پردازیم و در مواقع مقتضی نیز استفاده از این نوع گزارش‌ها را که در مورد خود روا نداشته‌ایم، برای انتقاد از عملکرد سایر دول مورد استفاده قرار می‌دهیم. دلایل این برخورد دوگانه باید بالاخره روزی به بحث گذاشته شود تا شاید از این طریق کمکی نیز به روشن شدن زمینه حقوقی عملکرد سیاسی نیز در کشورمان برسد.

جالب آن که بدانیم کشورهای غربی نیز از این برخوردهای دوگانه با حقوق بشر فارغ نیستند و شاید عمده‌ترین تفاوت آنها با ما در این موضوع باشد که آنها این دوگانگی را به بحث می‌گذارند و سعی در فهم دلایل آن دارند. یعنی همان کاری که نشریه «اگونومیست» با اختصاص گزارشی به این موضوع در شماره مورخ ۱۲ آوریل ۱۹۹۷ کرده است. «اگونومیست» این برخورد دوگانه را در زمینه جایگاه حقوق بشر در تبیین و تدوین سیاست خارجی کشورهای غربی به بحث گذاشته است. «اگونومیست» به وجود دو گفتار متفاوت در این زمینه اشاره می‌کند، گفتارهایی که هر دو